

## اکراه و اضطرار در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

نویسنده: دکتر حسین میرمحمدصادقی<sup>\*</sup>

**چکیده:** هرچند اکراه و اضطرار با ماهیت مشترکی که دارند قرن‌ها از عوامل رافع مسئولیت شناخته شده‌اند اما در دهه‌های اخیر برخی از کشورها کوشیده‌اند که این دو را در حوزه قتل عمد از موارد عوامل رافع مسئولیت خارج کنند. مقاله حاضر با بررسی اکراه و اضطرار در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی این دو را به عنوان عوامل رافع مسئولیت شناسایی می‌کند اما در پایان با توجه به مخالفت‌های جهانی پیشنهاد می‌کند که در حوزه قتل عمد خصوصاً در شرایطی که جنایت علیه یک گروه یا جمعیت صورت گرفته باشد این دو تنها از کیفیات مخففه مجازات به شمار آیند.

**کلید واژه‌ها:** اکراه، اضطرار، اکراه ناشی از شرایط و اوضاع و احوال، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، مسئولیت کیفری، علل رافع مسئولیت، کیفیات مخففه.

<sup>\*</sup> رئیس دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری - دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

اکراه و اضطراب ماهیتاً تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا در هر دو حالت، شخص تحت تأثیر عامل خارجی و برای فرار از یک خطر قابل توجه، بدون اینکه از حق انتخاب درستی برخوردار باشد، مرتکب جرم می‌شود. لیکن در اکراه این خطر خارجی ناشی از تهدید یک انسان دیگر است، در حالی که در اضطراب این گونه نیست و مضطر در نتیجه اوضاع و احوال خارجی (مثل عوامل طبیعی از قبیل سیل، حریق، زلزله، و طوفان، یا وضعیت درونی، مثل گرسنگی فاحش و نظایر آن) دست به ارتکاب جرم می‌زند. با توجه به ماهیت مشابه این دو دفاع، گاهی از اضطراب تحت عنوان «اکراه ناشی از شرایط و اوضاع و احوال»<sup>(۱)</sup> نیز نام برده می‌شود.

ماده (d) (۱) ۳۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به این دفاع اشاره کرده و برای شخص مرتکب در حالت زیر مسئولیت کیفری قائل نشده است:

«رفتاری که ادعا می‌شود مشتمل بر یکی از جرائم تحت صلاحیت دادگاه است از اجبار ناشی از یک تهدید نسبت به مرگ قریب‌الوقوع یا جراحت شدید جسمانی مستمر یا قریب‌الوقوع علیه آن شخص یا شخص دیگر ناشی شده باشد و آن شخص از ناچاری و به طور معقولی جهت اجتناب از آن خطر اقدام کرده باشد، مشروط بر اینکه شخص قصد ایراد صدمه‌ای شدیدتر از آنچه درصدد اجتناب از آن بوده است را نداشته باشد. چنین تهدیدی ممکن است:

۱. توسط اشخاص دیگری انجام شده و یا

۲. ناشی از شرایط دیگری باشد که خارج از کنترل شخص بوده‌اند»

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که ماده فوق‌الذکر اکراه و اضطراب (یا حالت ضرورت) را ماهیتاً یکسان دانسته و حکم واحدی برای آنها تعیین کرده است. شرایط لازم برای پذیرفته شدن این دفاع، با توجه به ماده فوق و رویه قضائی بین‌المللی، عبارتند از:

۱. تهدید باید قریب‌الوقوع و مشتمل بر مرگ یا جراحت شدید جسمانی باشد، به گونه‌ای که حق انتخاب آزاد را از فرد سلب کند.

1. duress by circumstances

۲. هیچ راه دیگری جز ارتکاب جرم برای فرار از تهدید وجود نداشته باشد.  
۳. مرتکب هیچ تمایلی به ارتکاب جرم نداشته و خواست و میل اکراه کنندگان بر میل او تفوق یافته باشد.

به عبارت دیگر، باید اثبات شود که تنها دلیل ارتکاب جرم وجود اکراه و اجبار بوده است و در صورت فقدان آن مرتکب جرم را انجام نمی داده است.<sup>(۱)</sup> بدین ترتیب یک دادگاه نظامی آمریکایی در پرونده «کروپ»<sup>(۲)</sup> در سال ۱۹۴۸ به استناد اینکه میل و اراده مرتکبان تحت تأثیر و نفوذ اراده اجبار کنندگان قرار نگرفته بلکه با آن هماهنگ بوده است دفاع اکراه را رد کرد و اظهار داشت که به کارگیری اسرای جنگی توسط متهمان نه به خاطر تهدید و اجبار مقامات بلکه به قصد بالا بردن کیفیت تولید کارخانه انجام شده بود.<sup>(۳)</sup> برعکس، در پرونده «فلیک»<sup>(۴)</sup> در سال ۱۹۴۷ برخی از متهمان که در اجرای برنامه کار اجباری اسرا، که توسط رژیم نازی طراحی شده بود، به اجبار از اسرای جنگی که در اختیار آنها گذاشته شده بودند استفاده کرده بودند، به دلیل وجود تهدید جدی نسبت به آنها، توانستند از دفاع اکراه در همان محکمه برخوردار شوند و برخی دیگر، که این کار را نه به خاطر تهدید مقامات بلکه بر اثر یک تصمیم درون سازمانی در جهت کارآیی بیشتر کارگاه انجام داده بودند، محکوم شدند.<sup>(۵)</sup>

۴. مرتکب نباید خود را عالمأ در شرایط اکراهی قرار داده باشد. بدین ترتیب هم رویه قضائی و هم اصول حقوق جزای بین الملل دفاع اکراه را برای کسی که به طور آگاهانه و داوطلبانه عضو گروهی می شود که از اهداف آنها آگاه بوده و می داند که وی

۱. در قرآن کریم نیز هر چند در آیه ۱۷۳ از سوره بقره خوردن چیزهایی مثل مردار، خون، گوشت خوک و مذبوح غیر اسلامی در نتیجه اضطراب گناه دانسته نشده است لیکن این معافیت مشروط به آن است که مرتکب این کار را از روی ناخشنودی و کراهت قلبی انجام داده و به کمترین حد قناعت کرده باشد (غیر باغ و لاعاد).

2. Krupp

3. p. 631. See Yoram Dinstein, 'Defences', p. 372.

4. Flick and Others

5. Antonio Cassese, *International Criminal Law*, p. 244.

را مجبور به ارتکاب جرائم بین‌المللی خواهند کرد قابل استناد نمی‌دانند. در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده پس از جنگ جهانی دوم این دفاع به استناد عضویت آگاهانه مرتکبان در واحدهای مرتبط با حزب نازی رد شد.<sup>(۱)</sup>

۵. جرم ارتكابی باید با خطری که مرتکب برای فرار از آن دست به ارتکاب جرم می‌زند متناسب باشد و همان‌گونه که ماده (d) (۱) ۳۱ اساسنامه تصریح کرده است، مرتکب نباید قصد ایراد صدمه‌ای شدیدتر از آنچه درصدد اجتناب از آن بوده است را داشته باشد. به عبارت دیگر، جرم ارتكابی باید کوچکتر از خطر مورد اجتناب یا حداقل همسنگ با آن باشد. بدین ترتیب تهدید نسبت به چند هفته بازداشت نمی‌تواند مجوز ارتکاب قتل باشد. شرط تناسب خطر با جرم توسط یک محکمه نظامی آمریکایی در یکی از پرونده‌های مطرح شده پس از جنگ جهانی دوم مورد تصریح قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup>

یکی از مسائلی که در مورد شرط لزوم تناسب جرم ارتكابی با خطر مورد تهدید قابلیت بحث دارد، امکان یا عدم امکان استناد به اکراه یا اضطرار در جرم قتل عمد است. در سالها و قرون گذشته حقوق‌دانان سرشناسی در انگلستان، از جمله بلکستون<sup>(۳)</sup> و استفن<sup>(۴)</sup> قائل بوده‌اند که حیات انسان آنچنان مقدس است که محروم کردن او از آن تحت هیچ شرایطی، حتی در صورت مورد تهدید قرار گرفتن یک نفر نسبت به اینکه جان خود وی در معرض خطر قرار خواهد گرفت، جایز نیست. این موضع در بسیاری از کشورهای برخوردار از نظام حقوقی کامن‌لا پذیرفته شده است. دو دعوی مشهور در این مورد در دادگاههای انگلستان و آمریکا به ترتیب دعاوی «دولت علیه دادلی و ستونز»<sup>(۵)</sup> و «دولت آمریکا علیه هومز»<sup>(۶)</sup> هستند. در مورد اول،

Antonio Cassese, *op. cit.*, p. 245

۱. برای نمونه این دعوی، رک:

- Einsatzgruppen, 1948, 15 I.L.R. pp. 625-666, cited in Yoram Dinstein, *op.cit.*, p. 374.
- Blackstone, *Commentaries*, Book IV, p. 30.
- J. F. Stephen, *History of the Criminal Law of England* (1883), pp. 107-109.
- R. V. Dudley and Stevens (1884).
- U.S. V. Homes

دو متهم دعوی پس از گم شدن در دریا و تمام شدن آذوقه‌ها برای فرار از مرگ اقدام به کشتن پسر بچه‌ای که کارگر کشتی آنها بود کرده و از گوشت او تغذیه کردند. آنها پس از نجات یافتن در دادگاه محاکمه و محکوم به ارتکاب قتل عمد شدند. در مورد دوم، یک کشتی آمریکایی، که از بندر لیورپول در انگلستان به سوی بندر فیلادلفیا در آمریکا در حرکت بود، در بین راه غرق شد و خدمه و ۴۲ مسافر آن مجبور به استفاده از قایق نجاتی شدند که به دلیل سوراخ بودن تاب تحمل همه آنها را نداشت. بالاخره پس از گذشت ۲۴ ساعت خدمه کشتی تصمیم گرفتند که تعدادی از مسافران را به دریا پرتاب کنند تا بقیه بتوانند نجات یابند. آنها زنان، کودکان، مردان متأهل و خدمه را از به بیرون پرتاب شدن معاف کردند و نهایتاً ۱۴ مرد مجرد به داخل دریا انداخته شده و در نتیجه بقیه نجات یافتند.<sup>(۱)</sup> دادگاه یکی از خدمه را، که این کار را انجام داده بود، به ارتکاب قتل عمد محکوم کرد. البته در هر دو دعوی با توجه به وجود کیفیات مخففه، مخصوصاً اثبات اینکه در صورت عدم انجام این کار همه افراد از بین می‌رفتند، تخفیف قابل ملاحظه‌ای در مجازات متهمان داده شد.

حال باید دید که آیا موضع حقوق جزای بین‌الملل در مورد ارتکاب قتل برای پرهیز از کشته شدن به موضع پیش گفته در مورد نظام حقوقی کامن‌لا نزدیک است یا به حقوق کشورهای برخوردار از نظام حقوقی رومی - ژرمنی که در بسیاری از آنها، آن‌گونه که دو تن از قضات تجدیدنظر در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در پرونده «ارو موویچ»<sup>(۲)</sup> اظهار داشته‌اند، اکراه و اضطراب در کلیه جرائم می‌تواند رافع مسئولیت کیفری مرتکب باشد.<sup>(۳)</sup> در این پرونده اکثریت قضات

۱. لازم به ذکر است که در قانون جزای نمونه آمریکا (Model Penal Code) که در برخی از ایالات این کشور اجرا می‌شود، اکراه در قتل عمد هم پذیرفته شده است. همین‌طور در این قانون، برخلاف کامن‌لا، ممکن است مکره جرم دیگری را انجام داده و به استناد اکراه از مسئولیت کیفری بگریزد؛ مثل فرار از زندان به دلیل تهدید شدن به قتل در صورت عدم تسلیم در مقابل خواسته‌های جنسی نامشروع زندانی دیگر.

2. Prosecutor V. Erdemovic, ICTY Case No II-96-22-A, APP. Ch. 7 October 1997, p. 16.
3. Joint separate opinion of Judges Mc Donald and Vohrah, p. 35.

پذیرش دفاع اکراه را در جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی که مشتمل بر کشتن افراد بیگناه باشد رد کردند، در حالی که برخی از قضات، با ذکر تفاوت قوانین کشورهای مختلف در این زمینه، این را یک اصل مسلم و پذیرفته شده در حقوق جزای بین الملل ندانستند.<sup>(۱)</sup>

عدم قبول دفاع اکراه در جنایات مبتنی بر قتل در پرونده «هولتسر»<sup>(۲)</sup> نیز توسط یک دادگاه نظامی کانادایی، که در آلمان در سال ۱۹۴۶ پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شد، مورد تأکید قرار گرفت. در این پرونده متهمان به خاطر به قتل رساندن یکی از سه کانادایی ای که به دلیل خراب شدن هواپیمایشان در مارس ۱۹۴۵ در آلمان فرود آمده بودند، محکوم شدند هر چند مدعی بودند که یک افسر آلمانی با نشانه رفتن تفنگش به سوی آنها آنان را مجبور به ارتکاب قتل فرد کانادایی مجروح کرده بوده است.<sup>(۳)</sup>

بر خلاف دعاوی فوق الذکر، دعاوی دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد در حقوق جزای بین الملل اضطراب و اکراه می‌تواند، حتی در جنایات مشتمل بر قتل، به عنوان دفاع قابل قبولی مورد استناد واقع شود. از جمله در پرونده‌ای که قبلاً هم مورد اشاره قرار گرفت و توسط یک محکمه نظامی آمریکایی در نورنبرگ بر اساس قانون دهم شورای کنترل متفقین مورد رسیدگی قرار می‌گرفت<sup>(۴)</sup> اظهار شد که «هیچ دادگاهی مردی را که با نشانه رفتن تپانچه‌ای به سوی سرش مجبور به قتل می‌شود مجازات نمی‌کند»<sup>(۵)</sup> البته متهمان این پرونده به جز یک نفر به دلیل فقدان سایر شرایط لازم برای قبول دفاع اکراه، از جمله اینکه متهمان اقدامات انجام شده را تأیید می‌کردند، محکوم شدند.<sup>(۶)</sup>

1. See: Dinstein, *op.cit.*, 375; Antonio Cassese, *op.cit.*, p. 248.

2. Hölzer and others, 6 April 1946.

3. Antonio Cassese, *op.cit.*, p. 248.

4. Einsatzgruppen case

5. p. 480.

Antonio Cassese, *op.cit.*, p.249

۶. برای سایر دعاوی در این مورد ر.ک:

بدین ترتیب و با توجه به آرای مختلفی که در مورد تأثیر اکراه بر جنایات مشتمل بر قتل صادر شده است، بین حقوقدانان در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که چون نمی‌توان جان مرتکب را برتر از جان قربانی وی دانست هیچ‌کس نمی‌تواند، برای فرار از کشته شدن، به قتل دیگری دست زده سپس برای فرار از مسئولیت کیفری به اکراه یا اضطراب استناد نماید.<sup>(۱)</sup> برخی حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که مدعی برتری جان قربانی نسبت به جان مرتکب شده‌اند از جمله شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در پرونده «ادرموویچ» در سال ۱۹۹۶ اظهار می‌دارد:

«در مورد جنایات علیه بشریت، این شعبه معتقد است که جان متهم و قربانی کاملاً برابر نیستند. بر خلاف قوانین عادی، در اینجا نقض ارتكابی متوجه آسایش فرد قربانی به تنهایی نبوده بلکه متوجه بشریت به طور کلی بوده است.»<sup>(۲)</sup>

البته اعتقاد به عدم تساوی جانهای افراد حتی توسط برخی از کسانی که مخالف پذیرش دفاع اکراه در جنایات مشتمل بر قتل هستند مورد انتقاد قرار گرفته است.<sup>(۳)</sup> از سوی دیگر، برخی از حقوقدانان معتقدند در مواردی که محاکم رسیدگی کننده دفاع اضطراب یا اکراه را در جنایات بین‌المللی مشتمل بر قتل نپذیرفته‌اند (که به بعضی از آنها قبلاً اشاره شد) معمولاً به قوانین داخلی کشورهای دخیل در ماجرا استناد شده است و در حقوق جزای بین‌الملل دلیلی برای مستثنی شدن قتل از شمول مقررات راجع به اضطراب و اکراه وجود ندارد.<sup>(۴)</sup> قانون بر اساس تواناییهای افراد معمولی نوشته می‌شود و نمی‌تواند از مردم انتظار داشته باشد که مانند یک قهرمان عمل کرده و همیشه حفظ جان دیگری را بر حفظ جان خود برتری دهند. البته، با توجه به اهمیت حفظ جان مردم، در این گونه موارد معمولاً تفسیر مضیقگی از

1. Y. Dinstein, *op.cit.*, p. 375.

2. Prosecutor V. Edremovic, Sentencing Judgement, ICTY case No 11-96-22-T, 26 Nov. 1996, p. 10.

3. Y. Dinstein, *op.cit.*, p. 376.

4. Antonio Cassese, *op.cit.*, p. 250.

شرایط لازم برای پذیرش دفاع اکراه یا اضطرار به عمل می‌آید و این دفاع به سختی پذیرفته می‌شود. از جمله این نکته که حتی اگر متهم جرم را مرتکب نمی‌شد، در هر حال قربانی جان خود را از دست می‌داد (مثلاً اینکه وی یکی از اعضای جوخه آتش بوده که در صورت عدم شرکت در جوخه آتش خود کشته می‌شد بدون اینکه جان قربانی نجات یابد) می‌تواند، به نظر موافقان قبول اکراه در قتل، در تصمیم دادگاه مؤثر باشد، زیرا در چنین حالتی قربانی شدن متهم هیچ فایده‌ای را در بر ندارد.<sup>(۱)</sup> مخالفان پذیرش اکراه در قتل، پیش‌بینی در مورد این نکته را که قربانی در هر حال کشته خواهد شد یک کار الهی دانسته و متهم را شایسته اینکه چنین نقشی را بر عهده گیرد ندانسته‌اند.<sup>(۲)</sup>

با توجه به اینکه در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی جرائم مشتمل بر قتل از شمول اکراه و اضطرار مستثنی نشده‌اند و بند (d) از ماده ۳۱ نیز در مورد پذیرش اضطرار و اکراه به کلیه جنایات مشمول صلاحیت دادگاه اشاره کرده و تنها شرط کرده است که مرتکب قصد ایراد صدمه‌ای شدیدتر از آنچه درصدد اجتناب از آن بوده است را نداشته باشد، به نظر نمی‌رسد که بتوان، به عنوان یک قاعده کلی، دفاع اکراه و اضطرار را در جنایات مشتمل بر قتل که مشمول صلاحیت دادگاه باشند غیرقابل پذیرش دانست هرچند که، با توجه به اهمیت حفظ جان، قطعاً دادگاه در پذیرش دفاع متهم در جنایات مشتمل بر قتل سخت‌گیری بیشتری نشان خواهد داد، ضمن اینکه پذیرش آن در جنایاتی که مشتمل بر کشته شدن تعدادی از مردم باشند غیرممکن به نظر می‌رسد.

از لحاظ رعایت موازین انصاف و عدالت نیز اینکه همواره مجبور نباشیم شخص مکره یا مضطر را به خاطر ارتکاب قتل، همسنگ یک انسان مختار، که داوطلبانه دست به قتل شخص دیگری می‌زند، مسئول بدانیم مناسبتر به نظر می‌رسد. در اینجا مسأله این نیست که آیا کشتن یک شخص دیگر برای نجات دادن

1. *Ibid.*, p. 250.

2. Y. Dinstenin, *op.cit.*, p. 376.



خود از مرگ اخلاقاً کار درستی است یا خیر، بلکه مسأله این است که اگر کسی چنین کاری را مرتکب شد لزوماً نباید مثل یک قاتل مجازات شود. همان طور که اگر یک فرد صغیر، مست یا مجنون مرتکب قتل شود کار بدی کرده ولی جامعه مجازات کردن او را غیر منصفانه می‌داند.

با توجه به آنچه گفته شد، این پیشنهاد که اکراه و اضطرار، و حتی دفاع مشروع، باید به جای یک عامل رافع مسئولیت به عنوان یک کیفیت مخففه از سوی قاضی تنها در مرحله تعیین مجازات (و نه در مرحله محکومیت) مدنظر قرار گیرند پیشنهاد خوبی به نظر می‌رسد. با پذیرش چنین پیشنهادی قاضی می‌تواند، با در نظر گرفتن عوامل مختلفی مثل اینکه مرتکب، مباشر قتل بوده است یا معاون آن، چند نفر را برای حفظ جان چند نفر کشته، تا چه حد در مقابل تهدیدات مقاومت نشان داده است و به چه میزان تناسب دفاع با حمله را رعایت کرده و نظایر آنها، میزان دقیق مجازات مرتکب را تعیین نماید، در حالی که در وضعیت کنونی، به ویژه در سیستمهایی مثل حقوق انگلستان و ایران که در آنها مجازات قتل عمد ثابت و به ترتیب حبس دائم یا قصاص است، در صورت فقدان یکی از شرایط لازم برای مورد پذیرش قرار گرفتن دفاع اضطرار یا اکراه (مثلاً عدم رعایت شرط تناسب) مرتکب، درست مثل یک قاتل مختار، به حبس ابد یا قصاص محکوم خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

۱. برای مثال در یکی از پرونده‌های مطرح شده در محاکم ایران زن روستایی که با پاشیدن جوهر نمک به چشمان مردی که به گفته زن به دلیل دیر آمدن شوهرش به خانه هر شب مزاحم او می‌شد موجب کور شدن دو چشم مرد شده بود، به دلیل عدم رعایت دقیق شرایط دفاع مشروع، به قصاص از دو چشم محکوم گشت، در حالی که علی‌رغم عدم رعایت دقیق موازین دفاع مشروع از سوی او، تردیدی وجود ندارد که از لحاظ قابلیت سرزنش باید بین این زن و کسی که عالماً و از روی خبث طبیعت دیگری را کور می‌کند تفاوت قائل شد.